

دولت ملی

سوال از آقای شهرام همایون

امیرفیض- حقوقدان

بطوریکه استحضار دارید، در اواخر سال گذشته شهرام همایون «دولت ملی» ساخت خود را اعلام و با دادن سه ماه فرصت که بهتر است مهلت نامیده شود، اعلیحضرت رابه تصدی و یا تائید دولت ملی دعوت کرد که بابتی اعتنای درست و بجای اعلیحضرت مواجه شد.

این تحریر، مایل است رویداد تشکیل دولت ملی آقای شهرام همایون را مورد بحث قرار دهد.

از آنجا که هردولتی متشکل از افراد است و فرد به کسی اطلاق میشود که هویت و شخصیت فردی دارد که آن شخصیت و هویت با نام و نشان آن فرد تکمیل و شناخته میشوند و...

از آنجا که دولت یکی از ارکان حقوقی جوامع سیاسی است و مستقر بر پایه حاکمیت مردم و گشوده بر باب مسئولیت است لذا:

الزامی است که شخصیت های تشکیل دهنده دولت برای مردم مشخص و شناخته شده باشند و در واقع نمیتوان دولتی را در جهان یافت که افراد آن دولت معرفی نشده باشند و در تاریخ کشور خودمان هیچ دولتی نبوده که افراد آن دولت گمنام بوده باشد. حتی دولتهایی که برخی از ایرانیان خارج از کشور روی کاغذ تشکیل داده اند از این امر مستثنی نبوده است.

درخواست تحریر

نظربه اینکه: اساس مبارزه سیاسی دمکراتیکی بر صداقت در گفتار و کردار و تعلق کلام به اجرام مرتب است و

نظربه اینکه: آقای شهرام همایون چنانکه میگوید بر روش بالا تمکین سیاسی دارند لذا

این حق مسلم مبارزه است که بداند:

❁ دولت موقت بتصدی شهرام همایون بر اساس کدام مجوز حقوقی و یا مردمی تشکیل شد و اکنون موقعیت آن چیست، منحل شده و یا بقاء دارد و اگر بقاء دارد برنامه آن دولت چیست؟ و دامنه فعالیت آن در حدی که از دایره محرمانه بودن خارج است چیست؟

ادعای ناموجه

ادعای دیگر آقای شهرام همایون این است که چرا تصویر آقای درماتی همراه بیانیه اخیر ایشان نیست. و مدعی هستند که بیانیه ها باید همراه با تصویر بیانیه دهنده باشد و در این مورد آقایان قاضی سعید و کاردان را هم بعنوان شاهد احضار کرده است.

مقصود از بیانیه، انتقال موضوع کلی ویانیت و نظریاتی دهنده است به دیگران؛ و این بدان معناست که رابطه شنونده با گوینده، رابطه بیان و گوش است نه اندام و شکل و شمایل گوینده که از طریق تصویر قابل انتقال است.

آقای همایون خیلی جدی و به استعانت از آقای پرویز قاضی سعید مدعی شد که ارائه تصویر شخصی که بیانیه میدهد یک قاعده عمومی است و خلاف آن منطقی نیست.

آقای قاضی سعید، هم این ادعای نادرست را فوراً تائید کرد.^۱

حاشیه: آقای قاضی سعید بمناسب اظهاراتی در حمایت و راهنمایی آمریکای در حمله به ایران متهم ایجاد استعداد نظامی و سیاسی برای دشمن است و لیاقت شهادت در هیچ موردی را ندارد (پایان حاشیه)

ارایه تصویر، دهنده بیانیه از واجبات و الزامات نیست از متفرعات است و رابطه مستقیم با قصد بیانیه دهنده دارد اگر قصد از بیانیه خود نمائی و جلب توجه باشد بیانیه همراه با تصویر جوانی و بزک بیانیه دهنده روی اکران خواهد آمد و اگر قصد خود نمائی نباشد و فقط قصد ادای تکلیف باشد بیانیه هیچ نیازی به تصویر بیانیه دهنده ندارد و انگهی چه بجاست که آقای شهرام همایون یک نقل قول معتبر و یا سندی ارائه دهد که نشانگر الزامی بودن تصویر صاحب بیانیه در کنار بیانیه باشد.

بیت معروف سعدی که میگوید:

مرد باید که گیرد اندرگوش ورنوشته است پند بردیوار

یعنی به موضوع بیانیه باید توجه کرد نه اینکه کی گفته و یا در کجا گفته شده است.

در کار سیاسی رابطه بین کلام گوینده و شنونده، مستقر بر اعتقاد مشترک است، اگر هماهنگی اعتقاد نباشد، تصویر ملکه زیبایی هم همراه بیانیه بشود بی تاثیر است مگر برای افراد بی عقیده و هرهری و یا سودجویی های خاص.

دقیقا قابل درک است که آقای شهرام همایون از خودداری آقای درمانی از ارایه تصویرشان همراه بیانیه طالب چه دستاوردی است؟ ایشان بدنبال این مقوله است که آقای درمانی با پنهان ساختن تصویر خودش میخواهد از این طریق مانع شود که مورد شناسایی جمهوری اسلامی قرارگیرد.

این یک توهم برای آقای همایون است زیرا خود آقای همایون مدعی است که آقای درمانی هر ساله به ایران سفر میکند و فروشنده اتومبیل به جمهوری اسلامی و سفارت جمهوری اسلامی در کانادا است، پس دیگر نمیشود ناشناخته بودن آقای درمانی را از سوی جمهوری اسلامی مطرح ساخت.

آیا همه کسانی که در خارج از کشور ترورش شدند، تصویرشان قبلاً در تلویزیون های ایرانیان خارج از کشور منتشر شده بود؟

آیا کسانی که به محض ورود به تهران بازداشت میشوند از طریق انتشار تصاویرشان در تلویزیونهای خارج از کشور شناسایی میشوند؟

هیچ فکر نمی‌کردم که احاطه شهرام همایون به دامنه وسیع و حساس دستگاه اطلاعات جمهوری اسلامی تا این حد یوسیده و ضعیف باشد.

ادعای شنیدنی دیگر

در کنار ضعف آقای شهرام همایون نسبت به موقعیت اطلاعاتی جمهوری اسلامی، ایشان ادعائی مطرح کرده است که واقعا حیرت انگیز است، حیرت انگیز بدان جهت که خودایشان نمی‌فهمد که این ادعا چقدر پوچ است و نمی‌فهمد که ایرانیان پوچی آنرا درک میکنند معهذا و مرتبا تکرار میکند؛ ادعای ایشان این است که جمهوری اسلامی خیلی ناراحت است که شهرام همایون به کسی اهانت نمی‌کند.

میان دعوا نرخ گذاشتن

شهرام همایون می‌خواهد با این صحنه سازی از اتهام و اهانت به شخص اعلیحضرت خود را میرا سازد. بنا بر قاعده اخلاقی و فلسفی که بعدا بصورت قانون درآمده.

هرکس که شخصی را تشویق به ارتکاب جرم نماید معاون جرم محسوب میشود. یعنی اگر او نبود و یا مشوق متهم نبود جرم بوقوع نمی پیوست.

هرکس که بتواند از وقوع ظلمی ممانعت کند ولی از آن موقعیت و توانی که دارد استفاده نکند ممکن است شریک جرم شناخته شود.

تطبیق مورد

آقای شهرام همایون طبق شواهد اسنادی، اولین کسی بود که باب بی حرمتی و فحاشی و اتهام را نسبت به اعلیحضرت گشود؛ عبارت <شاهزاده را چکارش کنیم سمش بدهیم> چراغ سبزی بود به کسانی که مستعد فحاشی به اعلیحضرت بودند؛ و مشوق آنان شد و دلیل دیگر همان برنامه بردیای قلابی که <ناکسی که دیگر کسی ندانست که کی بود و کجا رفت> از برنامه شهرام همایون آغاز شد و پیامد آن امید دانا که سرکشی های بیسابقه خود را برخ کشید.

عبارت <شاهزاده را چکارش کنیم سمش بدهیم> اعلام آمادگی شهرام همایون است به انجام هر کاری که دشمنان اعلیحضرت دلشان می‌خواهد و قدرت اجرایی ندارند؛ این آمادگی از تمام اتهامات و فحاشی های تیم امید دانا مهمترو با معنا تر است زیرا حاوی آمادگی به کاری است که سبب نابودی اعلیحضرت میگردد متوجه شدید آقای شهرام همایون؟

خواهش دارم قدری در این ذکر خیری! که نسبت به شاهزاده خودتان مطرح کرده اید تامل و غور کنید مفهوم ذکر خیر شما این است که شاهزاده شما مزاحم است و برای رفع مزاحمت، سوال توام با اجازه میکنید که آیا بهترینیست که برای رفع مزاحمت ایشان سمی مصرف شود.

نمی‌خواهم گفته باشم که شما حقیقتا قصد سم دادن به شاهزاده خودتان را دارید ولی مصرف بگویم که کنترل ندارید، ظرفیت ندارد، اعتقاد ندارید.

اتهامات و دشنام هائی که تیم امید دانا متوجه اعلیحضرت کرده اتهام و اهانت است و تنها یک مورد است، که نزدیک به آمادگی شماسست برای بلانی سراعلیحضرت درآوردن و آنهم همان شعارمرگ برشاه است که ازسوی مصطفی عرب ثبت در کلکسیون فحاشی ها شده است.

با اجازه شما آقای همایون ذکرخیر!! شما هم ضمیمه کلکسیون فحاشی های تیم امید دانا خواهد شد.

شما میتوانستید دراولین برنامه امید دانا او را متوقف کنید ولی نکردید وبال هم به او دادید.

نگاه سطحی به انتشارات مبارزه نشان میدهد که تمام اتهامات و فحاشی های مدون و رسانه ای اخیر متوجه اعلیحضرت به اعتبارپایگاه شما حرکت دارد.

نمیخواهم گفته شود که شما عاقلانه این حرکات را دارید، خیر از سرنادانی و کم هوشی و زیاده خواهی است، از نوریزاده و محمد رضا مدحی و تشکیل دولت ملی و جبهه گیری علیه اعلیحضرت و معرفی خودتان بعنوان جمهوریخواه که بگذریم آیا میتوانید بگویند آن بردیای قلبی که آنچنان بزرگش کردید و او آغاز به تحقیر و فحاشی نسبت به اعلیحضرت را دربرنامه تلویزیون شما چشم درچشم شما ترتیب داد کجاست؟ دولت ملی شما کجاست؟